



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/مواقیت الصلاة

دیروز آیاتی از قران کریم خواندیم که دلالت داشتند بر اوقات صلوات یومیه، امروز به سراغ متن عروه می رویم که به عنوان کتاب مرجع در بحث ما می باشد.

صاحب عروه بحث را اینطور آغاز کرده: «فصل في أوقات اليومية ونوافلها : وقت الظهرين ما بين الزوال والمغرب (الخوئی : "الأحوط إن لم يكن أقوى عدم جواز تأخير الظهرين عن سقوط القرص" ، مشهور قائلند مغرب آن وقتی است که حمزه مشرقیه زائل بشود ولی آقای خوئی می فرماید مغرب موقع سقوط قرص می باشد یعنی غروب آفتاب میزان است که عامه نیز همینطور قائلند) ويختص الظهر بأوله بمقدار أدائها بحسب حاله ويختص العصر بآخره كذلك(این اشاره به وقت مخصوص نماز ظهر و نماز عصر دارد و این بحث در اینجا مطرح می شود که آیا این وقت فقط به ظهر یا فقط به عصر اختصاص دارد یا اینکه مشترک است که صاحب عروه قائل است این وقت اختصاصی می باشد نه مشترک)، وما بين المغرب ونصف الليل وقت للمغرب والعشاء، ويختص المغرب بأوله بمقدار أدائه، والعشاء بآخره كذلك(این هم اشاره به وقت مخصوص نماز مغرب و عشاء دارد)، هذا للمختار. وأما المضطر لنوم أو نسيان أو حيض أو نحو ذلك من أحوال الاضطرار فيمتد وقتها إلى طلوع الفجر ويختص العشاء من آخره بمقدار أدائها

دون المغرب من أوله... إلى آخر كلامه الشريف»^۱. مسئله اوقات صلاة بسیار وسیع و مهم می باشد و فروعات بسیاری دارد و اخبار زیاد و مختلفی نیز در این باب وارد شده که تفاوتها نیز باهم دارند لذا باید توجه و عنایت ویژه ای به این بحث داشته باشیم.

خب واما اخباری که در این رابطه وارد شده اند علی أربعة طوائف:

دسته اول اخباری که دلالت دارند بر اینکه وقتی ظهر شد وقت ظهر و عصر مشترکا داخل شده و همچنین وقتی غروب شد وقت مغرب و عشاء مشترکا داخل شده، اخبار ۱ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ از باب ۴ از ابواب مواقیت بر این مطلب دلالت دارند.

دسته دوم اخباری هستند که مانند همان دسته اول هستند فقط عبارت "إلا هذه قبل هذه" را اضافه تر دارند یعنی وقتی ظهر شد وقت ظهر و عصر مشترکا داخل شده فقط ظهر قبل از عصر می باشد و كذلك المغرب والعشاء، اخبار ۲۱ از باب ۴ از ابواب مواقیت ۹۵ و دو خبر از عبید بن زراره و یک خبر از اسماعیل بن مهران که در همین باب ۴ از ابواب مواقیت ذکر شده اند بر این مطلب دلالت دارند.

دسته سوم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه این وقت مشترک بین ظهر و عصر است "حتی تغیب الشمس" ، اخبار ۲۲ و ۵ از باب ۴ از ابواب مواقیت بر این مطلب دلالت دارند.

دسته چهارم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه وقت هر دو داخل شده ولی اول وقت فقط مخصوص ظهر است و آخر وقت فقط مخصوص عصر است ،

^۱ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۴۸، ط جماعة المدرسین.

این وقت را مشغول نافله باشید تا شاخص به یک قدم برسد بعد نماز ظهر را بخوانید، تمام این مباحث را بعدا مفصلا مطرح خواهیم کرد و بحث یک بحث بسیار وسیع و دامنه دار می باشد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

اخبار ۷ و ۱۷ و ۱۸ از باب ۴ از ابواب مواقیت بر این مطلب دلالت دارند.

خب و اما در مقابل یک سری اخبار داریم که دلالت دارند بر اینکه باید مقداری از وقت بگذرد تا وقت نماز داخل بشود، به این بیان که اگر شاخصی داشته باشیم وقتی آفتاب از مشرق طلوع می کند و به آن می تابد سایه اش به طرف مغرب می افتد، در اول صبح سایه طولانی است و هرچه خورشید بالاتر می آید آن سایه کوتاه تر می شود و البته بلاد با هم فرق دارند در بعضی بلاد به طور کلی سایه اش که به طرف مغرب بود منعدم می شود چون خورشید دقیقا بالای سر شاخص قرار می گیرد ولی در بعضی بلاد اینطور نیست یعنی سایه منعدم نمی شود بلکه کوتاه می شود و وقتی به کوتاه ترین حد رسید می شود ظهر شرعی، (قدم الایام در زیر کتابخانه مدرسه فیضیه یک شاخصی از سنگ گذاشته بودند و اوقات صلاة را با آن پیدا می کردند)، حالا این شاخص که اینطور سایه می اندازد را قسمت کرده اند، اگر سایه به اندازه شاخص باشد به آن مثل می گویند و اگر سایه دو برابر شاخص باشد به آن مثلین می گویند و خود شاخص را نیز به هفت قسمت تقسیم کرده اند و هر قسمت را قدم نام گذاشته اند زیرا هر انسانی قامتش به اندازه هفت قدم می باشد و هر دو قدم یک زراع می باشد، پس هم معنای مثل و هم معنای قدم و هم معنای زراع را فهمیدیم که با استفاده از اینها اوقات نماز را معین کرده اند و روایات مذکور دلالت دارند بر اینکه نماز ظهر را وقتی بخوانید که سایه یک قدم یا دو قدم باشد و نماز عصر را موقعی بخوانید که زراع باشد، با اینکه ما گفتیم اول وقت حین زوال است، منتهی اینها می گویند